

اتفاق روز

رونالدو ۴۱ ساله هرچه پیرتر می شود، بیشتر گل می زند

افسانه

ریاض، ۲۹ نوامبر / روزنامه ورزشی، روز شگانه، شاهد فصلی جدید از کتاب بی پایان کریستیانو رونالدو بود. شش کاعاداسر تعظیم فرود آوردند وواژه توقف برای همیشه از لغت نامه این ستاره پر تعالی حذف شد. در دنیای فوتبال، سن معمولاً حکم فاکتی بی رحم را دارد. ۳۰ سالگی که علیه این قانون نا نوشته شورش کرده است. شبه شب در تقابل النصر والجزم، تماشاگر آن نه شاهد یک بازیکن در آستانه پایان بلکه شاهد یک پدیده بیولوژیکی بودند که گویی هر چه بیشتر می دود، جوان تر می شود. کسی که صدر جدول رابره ریاض بازگرداند و رکوردهایی را جابه جا کرد که حتی در بازی های یوفا یوپی هم دست یافتنی به نظر می رسند. داستان بازی از جایی شروع شد که النصر برای بازگشت به صدر، به یک رهبر نیاز داشت. بانسایوی یک-یک الهلال والاتحاد، در های قلعه صدر نشینی نیمه باور و رونالدو کسی نبود که این فرصت را از دست بدهد. گل اول و عبور از مرز ۵۰۰ رونالدو با این گل به رکوردخبره کننده ۵۰۰ گل زده پس از سن ۳۰ سالگی رسید. این عددی است که بسیاری از مهاجمان تراز اول دنیا در تمام طول دوران حرفه ای خود (از جوانی تا بازنشستگی) حتی به نیمی از آن هم نمی رسند.



گل دوم و ادامه ماجرا! اشتباهی رونالدو برای موفقیت سری ناپذیر است. دقایقی بعد او گل دوم خود و چهارم تیمش را به ثمر رساند تا عدد ۱۰۰ را ثبت کند. این آمار یک پیام واضح دارد. رونالدو در ۳۰ سالگی تمام نشده، بلکه دوباره متولد شده است. او قبل از ۳۰ سالگی، ۴۶۱ گل به ثمر رسانده بود. این یعنی او در دورانی که باید دورها را فواید نموده بود، ۴۰ گل بیشتر از دوران جوانی و اوج فیزیکیش از زده است. این یک تناقض دلنشین در دنیای ریاضیات فوتبال است.

حالا همه نگاهها به یک عدد است: ۱۰۰. رونالدو با دبل شبیه شب، شمار گل های رسمی خود را به عددخبره کننده ۹۶۴ رساند. تنها ۳۶ گام دیگر تا مرز ۱۰۰۰ باقی مانده که در تاریخ فوتبال مدرن، هیچ کس به صورت رسمی و مستند به آن دست نیافته است. بسیاری معتقدند یونان انتقال به لیگ عربستان برای او جنبه تفریحی دارد اما رونالدو نشان داد که برای او فرقی نمی کند در فینال لیگ قهرمانان اروپا باشد یا در یک شش معمولی در لیگ عربستان. با آمادگی بدنی که او از خود نشان می دهد، رسیدن به گل هزارم نه یک آگرم، بلکه یک جهزمانی ساده است. او به زودی به قله ای خواهد گذشت که پیش از این تنها در افسانه ها وجود داشت.

خسرو حیدری از چه چیزی شاکی است؟! وقتی نقابها افتاد

آر یا طاری

در فوتبال ایران، فاصله میان اسطوره ماندن و چونبده قدرت شدن، گاهی به باریکی یک تار مو است. این هفته در کمپ تمرینی استقلال، اتفاقی رخ داد که فراتر از یک جنجال ساده تمرینی بود. این یک پرده برداری تلخ از واقعیتی بود که زیر پوست تیم محبوب آبی جریان داشت. ماجرای فخر خسرو حیدری، دستیار ایرانی ریکار دوسایپنتونه، به یک اعتراض فنی که یک شورش برای صندلی بود.

هنوز جوهر حکم بر کناری سایننتو خشک نشده بود و هواداران در شوک رفتن مرد پر تعالی بودند که تمرین استقلال به صحنه یک تراژدی تبدیل شد. خسرو حیدری، کسی که سالها با پیراهن شماره دو استقلال برای این تیم دوده و محبوب سگوها بود، با این ذهنیت وارد محمل تمرین شد که نوبت من است. اما وقتی بیژن طاهری، سرپرست تیم، خبر سپردن هدایت موقت به وریاغفوری را به او داد، ناگهان آن چهره آرام هور متین، جای خود را به خشم و طلبکاری داد. جمله کلیدی او که از پشت پردهها به بیرون درز کرد، عمق فاجعه، انسان می دهد. «روی سایت باشگاه بزیندمن سرمربی شدم تا بر دم!» این جمله، نه فریاد یک مربی دلسوز برای وضعیت بحرانی تیم، بلکه شرط گذاری کسی بود که استقلال را نه به عنوان یک هویت که به عنوان

در مقاطع حساس فصل، مخصوصاً بعد از رفتن دستیاران خارجی سایننتو، نقش دستیار ایرانی باید پررنگ تر می شد. اما چه دیدیم؟! استقلال در بسیاری از بازی های کلیدی، از لحاظ تاکتیکی به بن بست رسید و تعویض های اشتباه و نبود آنالیز صحیح حریفان، امتیازات حیاتی را از تیم ربود. اگر خسرو حیدری توانایی فنی بالایی داشت، چرا در آن

مدام در حال تغییر مربی هستند، چطور سرمربی سابق استقلال که ادعای کارنامه موفق در مقطع دوم فصل پیش را دارد، نتوانست روی نیمکت هیچ تیمی بنشیند؟! دوری از میادین و فضای تمرین، برای هر مربی یک سم مهلک است. مربیگری، دانشی است که هر روز به روز می شود و خانه نشینی طولانی، ناخودآگاه توان فنی و قدرت تطبیق مربی با شرایط روز و مسابقات را زیر سوال می برد. آیا سهراب با همان دانش فصل پیش بر گشته یا در این مدت چیزی به داشته هایش اضافه کرده است؟! این بیگاری طولانی این شائبه را ایجاد می کند که شاید او در بازار مربیان ایران، گزینه نخست هیچ باشگاهی نبوده و حالا دوباره به لطف آشفنگی مدیریتی استقلال، به نیمکت داغ پایتخت رسیده است. مدیران استقلال با انتخاب او، علاوه بر نیک آرم بخش برای عبور از طوفان فعلی هستند. سهراب بختیاری زاده مربی محترمی است. اما آیا توانایی ایستادن بر لبز زاده خواهی های داخلی و فشار های خرد کننده بیرونی را دارد؟! او در حالی بر می گردد که رختکن تیم به دلیل حواشی اخیر دستیاران، ملتهب است. حقیقت این است که سپردن هدایت تیم به کسی که ماهها گلوران مسابقات دور بوده، یک ریسک بزرگ است. اگر سهراب نتیجه نگردد، مدیریت باشگاه چه پاسخی برای این انتخاب تکراری خواهد داشت؟! استقلال به یک معمار نیاز دارد، نه کسی که فقط حفره های ناشی از سوءمدیریت را پانامو اعتبارش پر کند.

در نهایت دیروز سهراب بختیاری زاده به عنوان سرمربی استقلال تا پایان فصل معرفی شد. انتخاب سهراب به عنوان سرمربی استقلال، بیش از آنکه یک تصمیم استراتژیک به نظر برسد، شبیه به یک پناهندگی مدیریتی است. مدیران باشگاه که در میانه شوب فخر خسرو و خلافتی پس از سایننتو گیر افتاده بودند، بار دیگر به سراغ گزینه ای رفتند که در دسترس ترین، بی دردسرترین و شاید تکراری ترین نام ممکن بود. اما اسالات جدی هواداران و کارشناسان، فراتر از یک خوشامدگویی ساده است. سهراب بختیاری زاده فصل گذشته در دو مقطع هدایت استقلال را بر عهده داشت. اگر او همان ناجی موعود بود که در مقطع دوم نتیجه هم گرفت، چرا مدیریت وقت اجازه خروج او را داد؟! اگر او گزینه نهایی برای ساختن یک استقلال مقتدر بود، چرا در ابتدای این فصل دوباره به سراغ ماجراجویی با سایننتو رفتند؟! این رفتارها امدهای سینوسی نشان دهنده نبود یک نقشه راه در ساختمان سعادت آباد است. انتخاب سهراب، بیشتر از آنکه بوی نوسازی و پیشرفت بدهد، بوی بازگشت به عقب و تکرار تجربه های آزمون شده را می دهد. استقلال گویی در یک چرخه تکراری گیر افتاده که در آن فقط نامها جابه جایی می شوند، نه متنها.

یک سوال کلیدی و بی تعارف هم وجود دارد: چرا سهراب بختیاری زاده در تمام ماههای گذشته خانه نشین بودند؟! در فوتبالی که تیمهای لیگ برتری و حتی لیگ یکی



شایستگی ها را روی میز بگذاریم. وریاغفوری، با تمام نقدهایی که ممکن است به او وارد باشد، در سال های اخیر رهبری کارزماتیک داخل زمین بود. انتخاب او به عنوان مربی موقت برای یک بازی (مس رفسنجان)، بیشتر یک تصمیم روانی برای آرام کردن فضای ملتهب تیم بود. اما واکنش حیدری نشان داد که او خودش را اسپیل بزرگ تراز استقلال می بیند. او مدعی شده که می خواست با سایننتو صحبت کند تا بر گردد اما در همان جمله می گوید «برپای خودم خالی شد». این تناقض آشکار، نیت واقعی او را فاش می کند. کسی که نتواند تیم باشد، حتی اگر به لوبی احترامی شود، در آن لحظه حساس تمرین را ترک نمی کند تا تیم در آستانه بازی با مس، دچار فروپاشی نشود.

خسرو حیدری با این رفتار، نه تنها شانس خود را برای مربیگری در آینده استقلال (حداقل در کوتاه مدت) از دست داد، بلکه تصویری را که هواداران از خسرو حیدری نجیب داشتند، مخوش کرد. مربیگری در استقلال، نیاز به دانش، صبر و خودگذشتگی دارد، نه فخر کردن و شرط گذاشتن برای سایت باشگاه. آقای حیدری، سیستم فوتبال ما ممکن است تارک باشد اما تارک تراز آن، نگاهی است که پست و مقام را حق مسلم خود می داند. بدون آنکه گامی برای اثبات توانایی فنی خود برداشته باشد. استقلال جای کسانی است که برای نامش بجنگند نه کسانی که برای سرمربی خطاب شدن به تیم پشت می کنند!

حیدری در تمام این مدت، به جای یادگیری اصول مدرن مربیگری، ظاهراً فقط منتظر لحظه ای بود که صندلی اصلی خالی شود. در فوتبال روز دنیا، دستیار یعنی مغز متفکر دوم. در استقلال اما، دستیار یعنی کسی که منتظر است سر مربی زمین بخورد تا او تکلیف شرعی و باشگاهی خود را برای نجات تیم احساس کند!

به مناسبت دهه مبارک فجر؛

پروژه های شاخص عمرانی و خدماتی در شهر فردوسیه افتتاح و به بهره برداری رسید

تجلی گاه همدلی و اراده جمعی مردم این شهر است. ما عمیقاً باور داریم هر جا مردم وارد میدان شوند، توسعه ای عمیق، اصیل و ماندگار رقم خواهد خورد. او با اشاره به سابقه این طرح بیان کرد: عملیات اجرایی این پروژه از سال ۱۴۰۲ با مشارکت خیر محترم و آقای رحیمی نماینده ایشان با همراهی اداره اوقاف آغاز شد و پس از ۲۴ ماه تلاش مداوم به بهره برداری رسید. این بنا در زمینی به مساحت ۸۰۰ متر مربع و در دو طبقه ساخته شده و بدون شک یکی از مردمی ترین پروژه های شهر به شمار می رود؛ هم از نظر نیت خیرخواهانه بانیان و هم از جهت مشارکت عمومی در فرآیند ساخت. شهردار فردوسیه با اشاره به فعالیت های گسترده عمرانی در این شهر تصریح کرد: در طول سال گذشته حدود ۶۰ پروژه عمرانی در ابعاد گوناگون در فردوسیه کلید خورد که تعداد قابل توجهی از آنها به بهره برداری رسیده و مابقی نیز طبق برنامه ریزی های انجام شده در سال های آینده افتتاح خواهند شد. که این روند توسعه با قدرت و شتاب ادامه خواهد داشت. همزاده ضمن تقدیر از تلاش های پیمانکاران، مهندسان و کارگران پروژه خبرهای خوشی برای شهروندان فردوسیه داشت: با پیگیری های مدیریت شهری و همراهی فرماندار محترم شهرستان شهریار، نماینده محترم مجلس و رئیس اداره برق در آینده ای نزدیک شاهد استقرار و آغاز به کار رسمی اداره برق در شهر فردوسیه خواهیم بود. همچنین پروژه کمربندی که یکی از مطالبات اساسی و دیرینه مردم است آن شاءالله تا پانزدهم اسفندماه آماده بهره برداری می شود. در پایان این مراسم، دکتر سادات معاون استاندار تهران ضمن قدردانی از فعالیت های عمرانی انجام شده اظهار داشت: خدمت به مردم هر مقدار هم که باشد، باز هم کم است؛ زیرا آنان همواره در صحنه های مختلف حضور فعال داشته اند و ما نیز جزئی از همین مردم هستیم. با بهره گیری از خرد جمعی و اراده مستحکم می توان مسیر شکوفایی امروز و فردای کشور را هموارتر ساخت. وی در خاتمه تأکید کرد: ایجاد نشاط اجتماعی، ارتقای سطح رفاه عمومی و فراهم سازی بسترهای مناسب برای نسل های آینده از وظایف اصلی مدیران است. و همه کسانی که مسئولیتی بر عهده گرفته اند، باید با تمام توان در مسیر خدمت به مردم گام بردارند تا موانع پیش روی توسعه برداشته شده و اهداف بلند تعیین شده محقق گردد.

شهردار فردوسیه با اشاره به کاربرد فناوری های نوین در این پروژه اظهار کرد: در ساخت این ساختمان از پنل های خورشیدی و انرژی پاک استفاده شده که در چارچوب سیاست های توسعه پایدار و بهینه سازی مصرف انرژی قرار می گیرد. همین ویژگی باعث شد آیین افتتاح این پروژه به صورت وینتاری و با حضور احمد وحیدی، وزیر کشور، در سطح ملی برگزار شود که نشان دهنده اهمیت آن در مقیاس کشوری است. در ادامه، ساختمان چندمنظوره «رضوان» در آرامستان فردوسیه نیز با حضور دکتر سادات معاون سیاسی-امنیتی استانداری تهران، مهندس برنجی فرماندار ویژه شهرستان شهریار به همراه معاونان و بخشداران، فرماندهان کلاتتری و بسیج، مهندس علی ملکی شهردار شهریار، مهندس مصطفی همزاده شهردار فردوسیه و اعضای شورای اسلامی شهر فردوسیه، جمعی از معتمدین و اصحاب رسانه افتتاح و به بهره برداری رسید. که در این مراسم از زحمات سرکار خانم منصور، خیر نیکانندیش، و نماینده ایشان تجلیل به عمل آمد.

ساختمان رضوان تنها یک پروژه عمرانی نیست، بلکه تجلی گاه همدلی و اراده جمعی مردم این شهر است

مصطفی همزاده در این آیین ضمن خوش آمدگویی به مهمانان، روز افتتاح را نقطه عطفی در مسیر توسعه فردوسیه خواند و گفت: ساختمان رضوان تنها یک پروژه عمرانی نیست، بلکه



به مناسبت چهل و هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی، شهر فردوسیه میزبان آیین بهره برداری از چند پروژه شاخص عمرانی و خدماتی بود؛ طرح هایی که با هدف ایجاد توسعه متوازن شهری و افزایش سطح رفاه شهروندان به سرانجام رسیده اند. مصطفی همزاده، شهردار فردوسیه، در توضیح جزئیات افتتاح ساختمان معاونت خدمات شهری و ایستگاه شماره ۲ آتش نشانی شهدای خدمت شهرداری فردوسیه گفت: این مجموعه با زیربنای ۲۵۰۰ متر مربع در سه طبقه ساخته شده است. ارتقای توان عملیاتی تیم های امدادی، کاهش زمان واکنش به حوادث و بهبود کیفیت خدمات شهری از اهداف اصلی این پروژه به شمار می رود. با توجه به توسعه فیزیکی شهر و افزایش جمعیت، ایجاد زیرساخت های قوی در حوزه ایمنی و امداد رسانی یک ضرورت اجتناب ناپذیر بود که با تلاش مجموعه مدیریت شهری تحقق یافت.

او درباره نحوه استقرار واحدها در این ساختمان افزود: طبقه همکف به ایستگاه شماره ۲ آتش نشانی اختصاص دارد تا پوشش امدادی سریع تری برای محله های مختلف شهر فراهم شود. طبقه اول محل استقرار واحدهای فنی و فضای سبز و طبقه دوم نیز به واحد خدمات شهری اختصاص یافته است. متمرکز کردن این بخش ها در یک مجموعه، ضمن کاهش هزینه ها، هماهنگی بیشتری میان واحدها ایجاد خواهد کرد و روند خدمات رسانی به مردم را سرعت می بخشد.



گزارش از: زهرا قره باغی